



ژیلا رسام عربزاده
مدیرعامل بنیاد فرهنگی فرش

رنگ و فرش

نیتروزن، کریمن و... هریک فی حد ذاته دارای رنگ هستند. یا آب که رنگ آبی در لفظ از آن مشتق می‌شود، به نسبت شدت و ضعف خود در تراکم و تجمع یا نسبت به عناصر شیمیایی و اجزای تشکیل دهنده، در زمینه‌ی آبی به رنگ‌های متفاوت مشاهده می‌شود. مثلاً از تجمع آب در رودخانه‌ها و دریاها، به نسبت حجم می‌توان آبی روشن، آبی نسبتاً سیر، و آبی متمایل به کبود یا سبز را مشاهده کرد و دریافت که آن رودخانه یا دریا به ترتیب رنگ‌ها کم عمق، عمیق، و خیلی عمیق است. یا آن‌که وجود سبزینه در طبیعت نشان خرمی و شادابی و بهار است و زرد و نارنجی نشان پاییز.

بحث مذکور در وجود انسان به نحو دیگری است. اگر هموگلوبین خون در بدن انسان کم باشد، رنگ به زردی می‌گراید و اگر زیاد باشد، به سرخی. از بین همین دو طیف زرد و سفید، طبیب در نظر اول تشخیص می‌دهد که

رنگ‌شناسی از علوم است که طی قرون متمادی مورد توجه ملل و اقوام جهان قرار داشته است. و امروزه در البسه و زینت‌آلات شخصی و تزیینات منازل و اتومبیل به آن توجه می‌شود و یکی از مسائل تعیین‌کننده در زندگی روزمره به حساب می‌آید. رنگ در مشرق زمین از دیرباز در تمام شئون زندگی نقش حساسی داشته و در هر یک از بخش‌های مادی و معنوی زندگی انسان، مفاهیم و معانی گوناگونی پیدا کرده است.

اصولاً رنگ از اعجاز برجسته‌ی خلقت است. اگر رنگ نبود، اشیا شناخته نمی‌شدند و شب و روز مفهوم پیدا نمی‌کردند. حتی اشیایی که در طبیعت با تعبیر علمی بی‌رنگ محسوب می‌شوند، باز هم دارای رنگ هستند؛ مانند آب و آسمان که در اثر تراکم هوا، دارای رنگ‌های متفاوتی در زمینه‌ی آبی است و این نشانه‌ی آن است که عناصر تشکیل دهنده‌ی هوا مانند اکسیژن، هیدروژن،

بیماردچار کم‌خونی است. به‌همین روال می‌توان حالات روحی انسان را در شرایط متفاوت تشخیص داد که دچار عصبانیت یا ترس، یا خوش‌حالی و نشاط است. به‌هر حال رنگ یکی از شاخص‌ترین ابزار شناخت طبیعت و حالت و سلیقه‌ی انسان است.

بین برخی ملل، رنگ‌ها زبان خاص خود را دارند. مثلاً رنگ زرد در چین نشان اصالت و هویت نژادی است و ازدهای زرد نماد ملی کشور چین محسوب می‌شود. در میان نژاد زرد، مانند ژاپن و چین، رنگ سفید نشان عزاداری است. ولی در خاورمیانه سیاه نشان عزاداری است. در مغرب زمین، رنگ سیاه نشان رسمیت محسوب می‌شود که به تدریج در تمام ملل این نشانه تسری یافته است.

در مورد حیوانات نیز چنین بوده است. مثلاً اسب سیاه در مشرق‌زمین نشان آن بوده که راکب آن دارای مقام برتر و رسمی است. امروزه که اسب به اتومبیل تبدیل شده، اتومبیل‌های مقامات رسمی مشکی است. یا در مراسم عزاء، از آمبولانس سیاه استفاده می‌شود.

بدین ترتیب می‌بینیم که رنگ در همه‌جای دنیا دارای زبان است. به‌علاوه با نور نیز خویشاوندی فیزیکی و موجی دارد، چنان‌که اگر نور نباشد، در تاریکی رنگ اشیا پیدا نمی‌شود؛ مگر آن‌که شیء خود فی‌نفسه دارای ترکیبات نورانی مانند فسفر باشد. رنگ سیاه آن‌قدر جاذب نور خورشید است که اگر مشککی یا زغالی یا اشیایی سیاه‌رنگ روی برف قرار گیرند، برف زیر آن شیء زودتر از برف زیر اشیای سفید یا روشن ذوب می‌شود. بدین ترتیب از طبیعت گرفته تا انسان، همه دائماً با رنگ درگیر و سرگرم هستند. البته گاهی اوقات هم رنگ به مفهوم چهره و روی و رخ تلقی می‌شود و مجازاً به «دورویی» می‌گویند: «دورنگی»، یعنی این‌که یک رنگ، وصف ظاهر و باطن فرد نباشد؛ چنان‌که مولوی می‌فرماید:

چون که یک رنگی اسیر رنگ شد

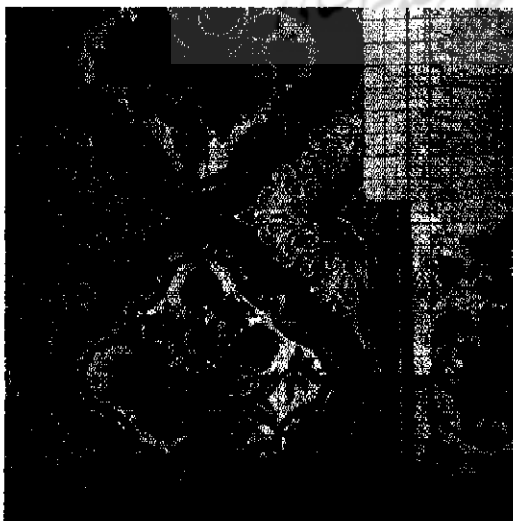
موسنی با موسنی در جنگ شد

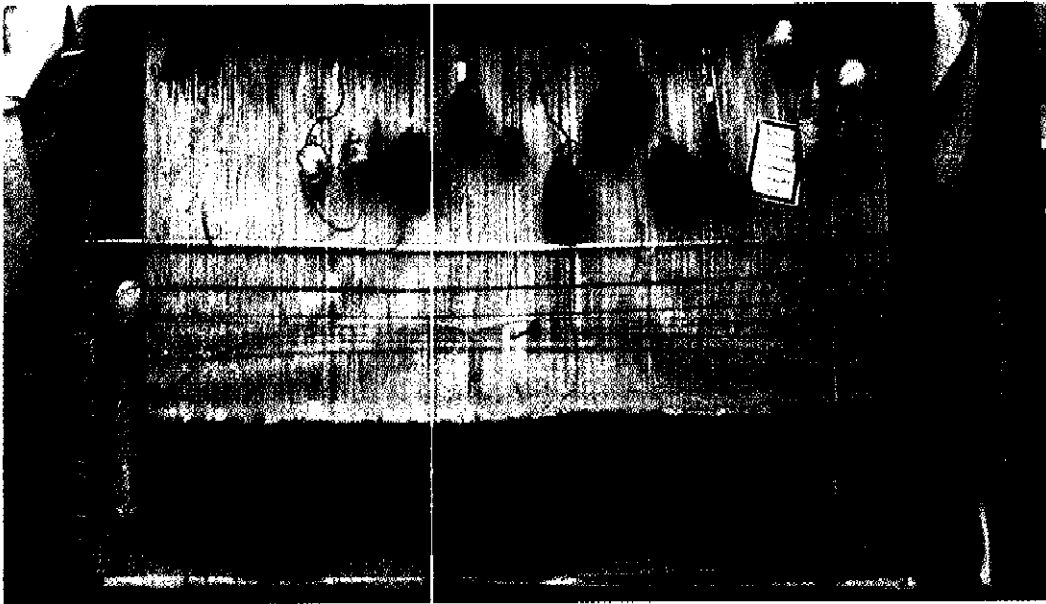
و اما در فرش، معروف است که مغرب‌زمینی‌ها می‌گویند: «اگر به منزل من بیایی، جلوی پای تو قالی

قرمز پهن می‌کنم» این جمله نشانه‌ی نهایت محبت و احترام است. کما این‌که امروز اگر جلوی یک شخصیت سیاسی کناره‌ی قرمز گسترده نشود، نشان بی‌احترامی و بی‌اعتنایی است. پس وجود رنگ در فرش نه تنها اصالت روان‌شناسی پیدا کرده، بلکه اصالت سیاسی و اجتماعی هم یافته است. در قدیم بین قالی‌بافان رنگ قرمز مقدم بر رنگ‌ها در فرش مصداق پیدا می‌کرد. به تدریج این روش در متن‌های متفاوت فرش در حالات درونی و روحی به‌صورت سلیقه متجلی شد.

حتی از نظر اقلیمی و شرایط آب‌وهوا و زندگی آپارتمان‌نشینی امروزی، اروپاییان نسبت به رنگ روشن و حتی کم‌رنگی و بی‌رنگی اقبال نشان می‌دهند. چرا که معروف است، در شرایطی که نور در درون منزل کم می‌تابد و در اتاق‌ها یا سالن‌های تنگ و تاریک فرش روشن هم دید و بصر را دچار اشتباه می‌کند، رنگ روشن فضا را وسیع‌تر و درون‌خانه را در شرایط تاریکی طبیعی، روشن‌تر و دل‌بازتر نشان می‌دهد.

در مشرق، رنگ قرمز نشان نشاط و جنب‌وجوش و تحرک و گرمی، و رنگ‌های روشن، به‌ویژه آبی، نشان آرامش است. حتی این توجه در ناپینیان هم مصداق دارد که فرد ناپینا به رنگ قرمز می‌گوید رنگ داغ و به رنگ آبی می‌گوید رنگ سرد. چرا که این دو طیف نشان آتش و آب هستند؛ چنان‌که در علاج آبی هر چیزی می‌گوییم: «انگار آبی که روی آتش ریختند» بین این دو قطب نام‌های متفاوتی وجود دارند.





امروزه در تزئینات گوناگون رنگ‌هایی را که هماهنگی و هارمونی دارند، در کنار هم قرار می‌دهند. مثلاً رنگ مبلمان، پرده، ظروف و سایر اشیا مطابقت داده می‌شوند. هم‌چنین، در فرش بافی «شهری بافی»، متداول شده است که تولیدکننده، سلیقه‌ی خود را تابع محض نظر خریدار می‌کند. در فرش‌های عشایری، خوش‌بختانه هنوز هم رنگ‌ها تابع روحیه و سلیقه‌ی ایل و عشایر تولید می‌شوند.

- از شدت عصبانیت سرخ شد.
- پرسال روزگارش سیاه بود، اما امسال انشاءالله سفیدبخت شود.
- از شدت حسادت کبود شد.
- تجربه‌ای طلایی بود.
- و...

علاقه‌منا، است و نظریه‌ای درمورد آن دارد. رنگ‌ها پیش از آن‌چه تصور می‌کنیم یا حتی متوجه می‌شویم بر ما و تمام جنبه‌های زندگی مان تأثیر می‌گذارند. رنگ جزو لاینفک زبان ما نشده است. ما با اشاره به رنگ، سلامت جسمانی و احساسات و خلق‌وخو و حتی تجارب معنوی خود را شرح می‌دهیم. به حرف‌های مردم توجه کنید و ببینید استفاده از رنگ تا چه حد عادی شده است:

کما این‌که در بیشتر فرش‌های ترکمن از قرمز یا لاک‌ی استفاده می‌شود و در فرش‌های بختیاری از رنگ‌های زرد و در فرش‌های قشقایی از رنگ‌های قرمز و زرد و سرمه‌ای و در فرش‌های بلوچ از رنگ‌های تند و حتی سیاه بهره می‌گیرند. این خود نشانه‌ی روحیه‌ی متفاوت اقوام گوناگون در ایران است.

روان‌شناسی رنگ

علم رنگ‌شناسی و تأثیرات آن از جمله علوم است که امروزه بسیار مورد توجه دانشمندان و پژوهشگران قرار دارد و در مورد درمان با رنگ‌ها و شناختن شخصیت انسان‌ها از روی رنگ، بررسی‌های زیادی شده است. در این‌گونه پژوهش‌ها، ابتدا رنگ، خطوط، نقوش و بافت را بررسی می‌کنند و خواص درمانی آن‌ها را مشخص می‌سازند. سپس شخصیت افراد را با علم رنگ‌شناسی و خط‌شناسی مورد بررسی قرار می‌دهند. هرکسی به رنگ